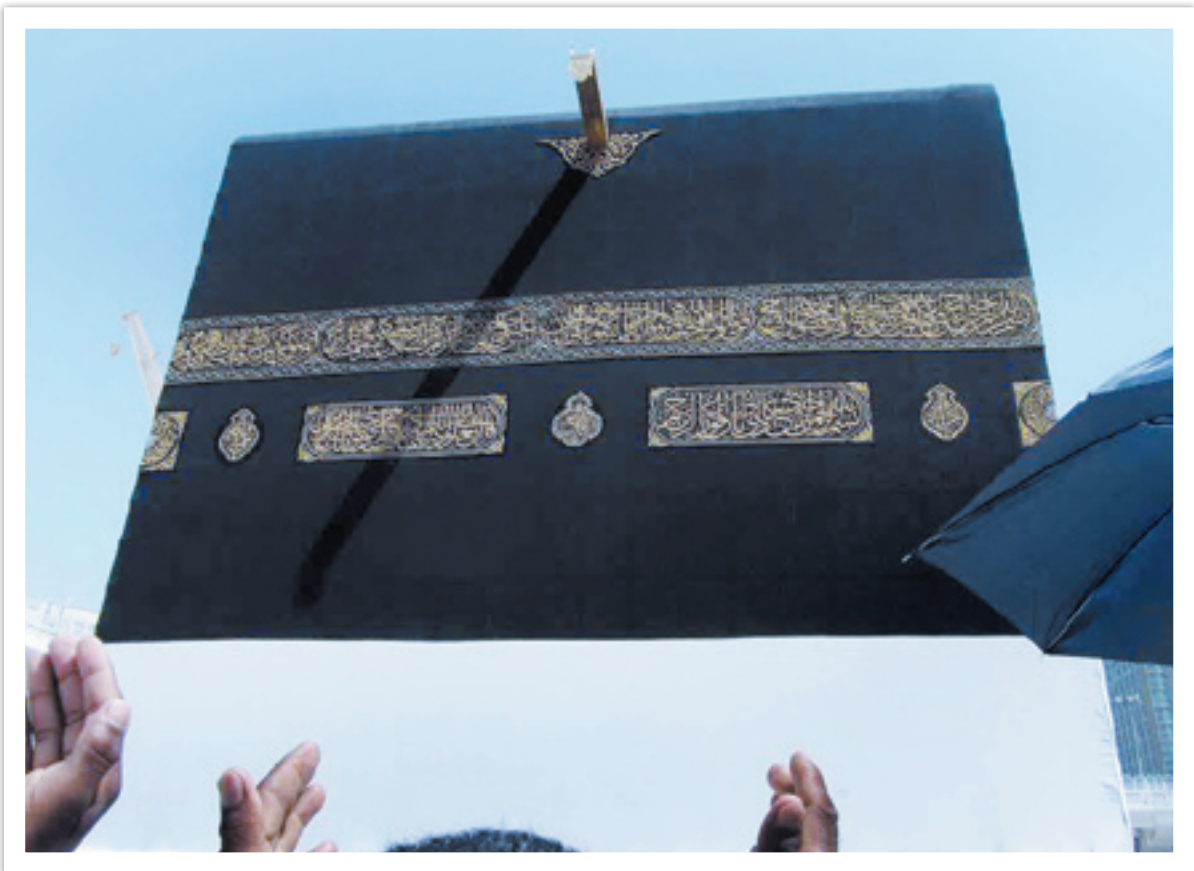


تأملی در اهمیت و مصادیق امر مقدس

امر قدسی؛ قدرتی که از ربانیت ریشه می گیرد



■ **محمدحسن صادق پور**

از جمله اموری که اگر به درستی ماهیت و جایگاهی شناخته نشود زمینه‌ساز انحرافات فکری و اجتماعی بسیاری می‌شود، «مقدسات» است. چنانچه به وضوح شاهد افراط و تفریط‌های فراوانی پیرامون این مسئله مهم هستیم عده‌ای از پایه و اساس منکر وجود مقدسات شده‌اند و عده‌ای با اغراق در شأنیت مقدسات آنها را هم‌تراز مقام قدسی خداوند می‌کنند. در همین حال گروهی دیگر نیز با سوءاستفاده از مقدسات، آنها را وسیله‌ای برای فریب جوامع قرار می‌دهند. مفاهیم مقدس همواره مورد طمع منافقین قرار گرفته تا با استفاده از ضعف فکری جامعه اسلامی و تحریک مسلمانان در خدمت اهداف غیرمقدس قرار گیرد. نمونه آن تأسیس مسجد ضراب برای ایجاد انشقاق میان مسلمانان یا بلند کردن صفحات مقدس قرآن در جنگ صفین برای مقابله با امیرالمؤمنین (ع) است. در چنین شرایطی ادراک صحیح از مقدسات می‌تواند نجات‌بخش انسان از فتنه‌ها باشد.

■ ■ ■

■ **دغدغه «مقدس»**

این که چرا صحبت از مقدسات و ماهیت آن در جامعه اسلامی ضرورت دارد، علت اولش به قدرتی برمی گردد که به واسطه تقدیس یک موجود به وی داده می‌شود. گاهی اوقات «موجود مقدس» یا «موجود مورد تقدیس قرار گرفته» چنان قدرتمند می‌شود که حتی قدرتمندترین اسلحه بشری که عقل است نیز نمی‌تواند مقابل آن عرض اندام کند. همین قدرت‌نمایی مقدسات، باعث می‌شود گاهی اعمال غیرمقدس – و گاه حتی شیطانی – خود را به ظاهر مقدسات متصف کنند و قدرت تمییز و تشخیصی را از جامعه بگیرند. به همین خاطر است که شهید مطهری (ره) در کتاب جاذبه و دافعه‌علی(ع) می‌گوید: «تقدس نبخشیدن به ظواهر این منفعن را دارد که راه را بر روی فرصت‌طلبانی که به دنبال استفاده از ظاهر گرایان هستند تا از طریق ایشان قرآن را بر سر نیزه زند و حق علیها را در حکمیت‌ها ضایع کنند می‌بندد.»

دو لیه تیغ مقدسات باعث شده برخی از اساس به منظور عقلانی‌نشان دادن دین، مقدسات را خطرناک و مایه تزلزل جامعه‌نشان دهند تا جایی که مرحوم دکتر بازگان از «مقدس‌نمایی برخی افکار» تحت عنوان بت‌پرستی مدرن یاد می‌کند: «چقدر مایه تأسف است که برخی می‌کوشند با تبلیغات مخصوص، بت‌های فرسوده شکسته را زنده کنند آن‌هم در یک کشور مسلمان خدایرست شیعه! افکاری که «مقدس» شوند به فرسودگی یک ملت تسرع می‌بخشند.»

عبدالکریم سروش از جمله روشنفکران جامعه ایرانی است که از منتقدان درجه یک اطلاق مقدس به مفاهیم و موضوعات است، تا جایی که دامنه نقد و تعرض را به ساحت قرآن و خود پیامبر(ص) نیز روا داشته و در قالب نقد علمی، در تقدس‌زدایی از ساحت دین می‌کوشد تا به قول خودش در فرآیندی لیبرال، آدمی از «بشر مقدسات» خلاص شود. سروش که در دهه ۷۰ منشأ لیبرالیسم را همین نفی مقدسات می‌دانست و می‌گفت: «لیبرالیسم از آنجا آغاز می‌شود که آدمی می‌کوشد خود را از شر مقدسات آزاد کند. به عبارت دیگر لیبرالیسم یعنی هیچ کس و هیچ چیز هیچ‌گاه مقدس نبوده و نیست؛ ما را از شر مقدسات رها کنید. ما از این پس اهل تحلیلیم نه تجلیل» خود از تالی تلون مبرام لیبرالیسم و تقدس‌زدایی از امور معنوی و الهی گردید.

البته بعضی‌ها نیز که نمی‌خواهند ایسن قدر محکم

مقابل مقدسات قد علم کنند، می‌کوشند تا در گرایشی سکولار مآبانه دامنه مقدسات را محدود به رفتار و اعمال فردی کنند. مجیدمحمدی جامعه‌شناس ایرانی مقیم امریکا در کتابی با عنوان «لیبرالیسم ایرانی» به همین موضوع اشاره می‌کند: «لیبرالیسم از مقدسات در حوزه عمومی سیاست می‌گریزد اما مقدسات افراد در حوزه زندگی خصوصی آنان هیچ مشکلی برای لیبرالیسم ایجاد نمی‌کند. آسختن سروش ا مذهبی اقتدارگرا اصولاً نمی‌توانند آن را بپذیرند چون با تربیت شریعتمداری سنتی خود آنان سازگاری ندارد که گناهان افراد را در حیطه زندگی خصوصی به خود آنان واگذارند.»

این رویکرد تقدس‌زدایی میان روشنفکران در قرون معاصر، در خود غرب چنان به افراط کشیده شده که در راستای مقدسات‌زدایی از مفاهیم سالانه صدها مقاله، فیلم و اثر توهین آمیز نسبت به مقدسات منتشر می‌شود.

از بحث فوق چنان نتیجه می‌شود که پرداختن به موضوع «مقدسات» برای انسان به دو دلیل حائز اهمیت است:

۱ – به دلیل قدرتی که مفاهیم و موضوعات مقدس به واسطه قدسی شدن پیدا می‌کنند می‌توانند ابزار دست منافقین قرار گرفته و مسیر هدایت جامعه را به انحراف بکشانند.

۲ – مقدسات گاه چنان قدرتمند می‌شوند که در صورت عدم تعقل صحیح می‌توانند افراد را به ظواهر خود مشغول سازند و مؤمنان جامعه را به «جاهلان مقدس مآب» تبدیل کنند که خود خطری برای اسلام هستند.

۳ – خردگرایی خودبنیاد بشر در دنیای مدرن و مکتب لیبرالیسم، اساساً مفهومی به نام تقدس را لااقل در

گاهی اوقات «موجودمقدس» یا «موجود مورد تقدیس قرار گرفته» چنان قدرتمند می‌شود که حتی قدرتمندترین اسلحه بشری که عقل است نمی‌تواند مقابل آن عرض اندام کند



هر شخص یا عمل یا زمان و مکان یا هر مکتوبی که بتواند در تربیت ربانی انسان و رشد جنبه قدسی انسان مؤثر واقع شود، به مقدار و اندازه اثرگذاری مظهر صفت قدسی باری تعالی شده و مقدس است

حوزه اجتماعی نمی‌پذیرد و تمام تلاش خود را برای زدودن قید مقدس از کلیه مفاهیم به کار می‌بندد. (جالب آن که خود لیبرالیسم و مفاهیم متصل به آن، در تناقضی فلسفی به مفهومی مقدس برای لیبرال‌ها تبدیل می‌شود)

■ **خداوند منشأ تقدس**

اما این قداستی که انسان مسلمان به آن اعتقاد دارد از کجا سرچشمه گرفته و شامل چه چیزهایی می‌شود؟ قدوس صفتی است الهی و این صفت به تأیید آیات ظهور در انسان‌ها، اعمال، اماکن و اشیای می‌یابد. قداست برای انسان با توجه به گرایش ذاتی‌اش به تقدیس ظرفیت خلق کرده است که بتواند قدسی و مقدس شود. قداست انسان محصول و نتیجه طهارت اندیشه و نحوه ارتباط با خداوند است. علاوه بر انسان‌ها، برخی اماکن، ازمنه، اشیاء و اعمال نیز از سوی خداوند با هدف تربیت قدسی‌انسان ایجاد می‌شود و بعضاً قداست اینها به خاطر اعمالی است که در آنجا صورت پذیرفته است. لذا هر شخصی یا عمل یا زمان و مکان یا هر مکتوبی که بتواند در تربیت ربانی انسان و رشد جنبه قدسی انسان مؤثر واقع شود، به مقدار و اندازه اثرگذاری مظهر صفت قدسی باری تعالی شده و مقدس است. در نگاه مقدسات باید تجلی قدوسیت خداوند را نظارت کرد و بر اساس آداب و دستور صادره از ناحیه وحی رفتار کرد، نه آن که جنبه استقلالی به آنها داده و رفتار ذوقی و سلیقه‌ای داشته باشیم. بنابراین باید تکریم و تعظیم مقدسات تجلی عبودیت حق و «تقدس لک» باشد و ذره‌ای شباهه جدایی از خدا نداشته باشد.

از این رو رویکرد تعظیمی و تکریمی نسبت به مقدسات فی‌نفسه هدف نیست بلکه زمینه‌ای است برای رشد و شکوفایی جنبه قدسی و ملکوتی انسان و رسیدن به مراتب قرب الهی. پس بی‌شک اولین و آخرین وجود مقدس بالذات در عالم وجود، خداوند متعال است. مقدس یعنی این که مطهر و منزه است. قدوس خود صیغهٔ میبالغه است؛ یعنی از هر گونه عیب و نقصی قداست و طهارت دارد. از آنجا که باری تعالی قداست ذاتی دارد و اولین مقدس در عالم وجود پروردگار عالم است، هر کس‌ی یا هر چیزی که ارتباط خاصی با خداوند پیدا کند، تقدس به او سرایت می‌کند و مقدس بالعرض می‌گردد. (از او تقدس می‌گیرد).

گرچه همه موجودات عالم با خداوند ارتباط دارند، و به تعبیری همه مخلوق خداوند هستند و به درجه‌ای از حرمت و تقدس اولیه به واسطه مخلوقیت خداوند متصفند ولی نزد شارع و در مفهوم اخص «تقدس» متصفند.

قسم دیگر از مقدسات، مکان‌های مقدس است. در آیات قرآن می‌توان به حرمت و تقدس برخی مکان‌ها پی برد. حضرت موسی(ع) وارد سرزمین مقدس می‌شود، همان کوه طور سینا که الواح مقدسهٔ تورات را دریافت می‌کند، خداوند به حضرت موسی می‌فرماید: «فَاخْلَعْ نَعْلَکَ لِکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی» موسی، کفش‌هایت را درپایور، وارد سرزمین مقدسی شده‌ای، این آجا آداب و حرمت دارد و هر کس نمی‌تواند وارد شود.

در روایات پاک‌ترین مکان‌ها، حرم معصومین است. مکانی است که ملائکه دائم رفت و آمد می‌کنند. در زیارتنامه امام حسین(ع) در یکی از فرازهایش می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّ طَهُرَ طَاهِرَ طَهْرَ مَنْ طَهُرَ طَاهِرَ طَهْرَ طَهْرَتْ وَ طَهْرَتْ بِكَ الْبَلَدَا، وَ طَهْرَتْ خَزَمُکَ وَ طَهْرَتْ أَرْضُ أَنْتَ بَها» حرم تو مطهر است و آن زمینی که در آن دفن شدی، آنجا مقدس است.

■ **زمان‌های مقدس**

یکی دیگر از مقدسات زمان‌های مقدس است که هم در قرآن و هم در روایات به برخی ایام حرمت و

تقدش ویژه داده شده. پیغمبر (ص) درباره ماه رمضان فرمود: «قَدْ أَقْبَلَ إِلَیْکُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبُرْکَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفَرَةِ» این شهر، شهر الله و ماه خداست.

یا در خصوص تقدس روز جمعه، حضرت زهرا (س) از پیغمبر شنید که پیغمبر فرمود: ای زهرا جان، در روز جمعه زمانی وجود دارد که هیچ مسلمان و مؤمنی چیزی خیری را از خدا نمی‌خواهد، مگر این که خداوند در آن زمان به او می‌دهد. اگر در آن زمان دعا کند، خداوند دعایش را مستجاب می‌کند. حضرت زهرا(س) فرمود: پدر جان، آن وقت چه زمانی است؟ پیغمبر فرمود: نزدیک غروب که یک مقدار از قرص خورشید در افق فرورفت و پنهان شد که زمان کوتاهی است و شاید چند دقیقه بیشتر طول بکشد.

یا در دعای قنوت برخی اعیاد مسلمین به برکت و تقدس از این ایام یاد می‌شود: «الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد صلی الله علیه و آله ذخرا و شرفا و کرامتا و مزیدا».

■ **اشیاء مقدس**

از دیگر مقدسات، اشیاء مقدس است. متأسفانه یکی از مراکز شبهات جریان‌های سلفی و وهابیت خبیث اعتقاد شیعه به تقدس برخی اشیاست. این موضوع در بعضی از چیزهایی که شیعه مقدس می‌داند (مثل ضریح معصومین و قبر ایشان) بارها مورد هجمه این ناآشنایان با دین و شریعت قرار گرفته است. در حالی که خود آیات قرآن در مواردی تأییدکننده تقدس برخی اشیاء بوده است. از جمله صندوقی که حضرت موسی در آن بود و مادرش آن را در رود نیل رها کرد، تا سال‌ها در بنی‌اسرائیل به عنوان صندوق مقدس بود و در جنگ‌ها بنی‌اسرائیل این صندوق را جلو می‌بردند که نشانه پیروزی بود. نشانه این بود که هر کس این صندوق را داشته باشد، فتح با اوست. قرآن نیز در آیه ۲۴۸ سوره بقره این موضوع را تأیید و آن را ذکر می‌کند «أَنَّ يَاتِيكُمْ التَّائُوتُ قِیْهِ سَكِیْنَةٌ مِنْ رَکَمٍ» یک آرامشی در آن صندوق بوده است و خدا می‌گوید از آثار این صندوق، آرامش و طمأنینه دادن است. «فِیْهِ سَكِیْنَةٌ مِنْ رَکَمٍ وَ قِیْئُهُ مِمَّا تَرَکَ آلَ مُوسَى وَ آلَ هَارُونَ» و یادگار موسی و هارون است. این صندوق، صندوق مقدسی است که قرآن روی آن صحه گذاشته است.

همین موضوع را می‌توان در ماجرای پیراهن یوسف نیز مشاهده کرد.

در خورجین مر کبتان می گذارید و احترام نمی کنید و آن وقت می خواهید تربت شما را شفا دهد؟

■ **اعمال مقدس**

دیگر قسم از مقدسات اعمال مقدس است. مانند سعی صفا و مروه که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» سعی بین صفا و مروه، این جزء شعائر الهی است و محترم است پس مقدس است.

نمازی که می‌خوانیم عملی مقدس است. لذا حرمت دارد و هر کس به نماز توهین کند، جرم دارد و در نزد خدا گناه است.

عمل حج و زیارت معصومین علی‌الخصوص زیارت امام حسین (ع) از دیگر مقدسات درجه بالای عالم به حساب می‌آیند.

ذکر صلوات و یاد ائمه نیز از اعمالی است که خداوند به واسطه تقدس‌شان برای آنان اختیار شفا و شفاعت مقدر ساخته است. چنانچه در حدیث شریف کسا، پیامبر می‌فرماید هر کس یاد و این حدیث ما اهل بیت را در هر مجلس روی زمین ذکر کند هر چه از خدا بخواهد به او بدهد و غم از دلش بزداید.

■ **حدیث**

در مجموع کلیه اعمال وارده فردی و اجتماعی مورد تأکید اسلام از جمله نماز، روزه، حج، صدقه تا جایی که نیت الهی به آن متصف باشد و از ساحت نامقدساتی چون فریب و رباکاری به دور باشند، شایسته تعظیم و تکریم بوده و به واسطه تنزه و تقدس، حرمتی دارند که نباید مورد اسائه قرار گیرد.

■ **مفاهیم مقدس**

برخی مفاهیم پایه‌ای و اساسی بشر همچون عدالت، آزادی، صداقت و... مقدس هستند اما آنچه حائز اهمیت است و در خصوص بقیه مقدسات نیز مورد تأکید قرار گرفت ماهیت تقدس این مفاهیم است که برخاسته از صفات الهی هستند و تمثیت الهی بر مقدس بودن این مفاهیم قرار می‌گیرد. در واقع این مفاهیم در نسبت با خداوند و ایمان به خدا تقدس می‌یابند و در پارادایم الهی مفهوم دارند اما همین‌ها در یک پارادایم اومانیستی می‌توانند در ضدیت با سایر مفاهیم مقدس وارد عمل شوند. شهید مطهری در همین زمینه در کتاب ۱۵ گفتار می‌نویسد: «مقدسات بشر چیست؟ عدالت یکی از مقدسات بشر است. آزادی یکی از مقدسات بشر است. احسان یکی از مقدسات بشر است. امنیت یکی از مقدسات بشر است. راستی،



درستی، امانت، یکی دیگر از مقدرات بشر است. بدون شک تمام اینها در گرو ایمانند.»

وقتی این مفاهیم، به ذات تقدیس شوند و نه بالعرض (به واسطه تقدس خداوند) لذا خودداری این ظرفیت می‌شود که در پوستین تقدس، و مقابله با خداوند و ایمان به خداوند بروند. دنیای مدرن درست از ظرفیت همین مقدسات برای لایت‌سازی جوامع استفاده کرده است که به قول شهید مطهری عملی نفاق‌آلود است: «در کدام عصر و زمان این مقدار مفاهیم مقدس بشری استعمال شده است؟ در کدام عصر و زمان این‌قدر دم از اخلاقی و صلح و امنیت و آزادی و مساوات و برادری و برابری و انسانیت و حقوق بشر زدنند و در کدام عصر به اندازه زمان ما این مفاهیم را ملعبه قرار دادند و با اینها بازی کردند؟ از آن سر دنیا با هواپیمایش حرکت می‌کند و بمب‌های آتش‌زا را روی سر مردم بی گناه می‌ریزد، بعد می‌گوید تصمیم امریکا در دفاع از آزادی راسخ است.»

به تصریح قرآن کریم و روایات تقدس برخی افراد و اشیا و ازمنه و امکانه و نیز برخی مفاهیم موضوعی قابل انکار نیست و تقدس‌زدایی از مفاهیم دینی مذموم است.

همچنین چنانچه اشاره شد منشأ تقدس، ذات اقدس الهی است و چیزی نمی‌تواند مقدس اطلاق شود جز آن که به صودت خاص و ویژه در ارتباط با خداوند باشد. لذا تقدس قاتل شدن برای یک فرد یا چیز با عمل و صفات دیگر در مقدرات عالم نظارمند بوده و نمی‌توان خارج از این فرایند ارتباطی که آن را ولایت الهی می‌دانیم تقدسی برای کسان یا چیزهایی قائل شد.

از آنجا که مقدس‌نمایی با واسطه قدرتی که مقدسات در میان مردم دارند، شیوه‌ای برای ریا و تیرنگ نیز می‌تواند باشد لذا فقه صحیح قدسات می‌تواند باعث شود در اطلاق تقدس محتاطانه‌تر برخورد نموده و از سوی مقابل تفکر تقدس‌زدایان را محکوم کنیم.



قدوس صفتی است الهی و این صفت به تأیید آیات ظهور در انسان‌ها، اعمال، اماکن و اشیای می‌یابد. قداست برای انسان با توجه به گرایش ذاتی‌اش به تقدیس قدوس مطلق، اکتسابی است و خداوند انسان را با این ظرفیت خلق کرده است که بتواند قدسی و مقدس شود. قداست انسان محصول و نتیجه طهارت اندیشه و نحوه ارتباط با خداوند است

قرآن را نیز می‌توان یکی از اشیاء مقدس دانست. البته حقیقت قرآن در عالم بالا چنانچه اشاره شد موجودی زنده و غیرشیء است اما نزول قرآن که در دست ما در قالب کتابی قرار گرفته دارای تقدسی است که ملاحظه‌ادر اسفار آن را چنین شرح می‌دهد: «قرآن از هزار حجاب عبور کرده و منزل به منزل پایین آمده است که تبدیل به این کتاب شده که «تا آن‌زنلناه» ما فرورستادیم. آن حقیقت بالا را پایین آوردیم که مردم هم یک چیزی گیرشان بیاید اما همین کتاب مقدس حرمت و احکام ویژه‌ای دارد که نشانگر حد بالای تقدس آن است.»

حتی بهره‌مندی از شفا و شفاعت قرآن نیز منوط به رعایت حرمت و تقدس آن شده است. تربت امام حسین (ع) نیز از اشیاء مقدس مستند به روایات است که اثربخشی آن به رعایت و حرمت آن منوط شده است.

به امام معصوم گفتند آقا ما چرا وقتی تربت سیدالشهدا را می‌خوریم، شفا پیدا نمی‌کنیم؟ با این‌که که تربت سیدالشهدا «شفاء» مین کل داء» است؟ حضرت فرمودند: شما تربت را